

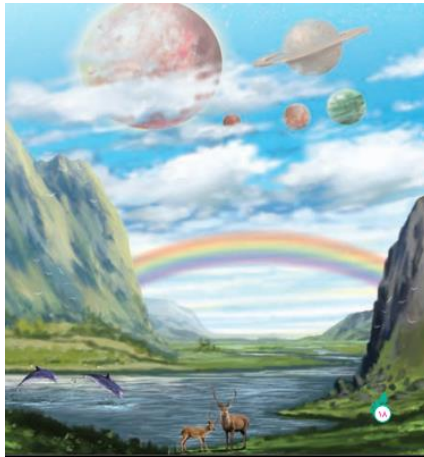


درس ۲

عجایب صنع حق تعالی

این درس به توصیف زیبایی‌های طبیعت می‌پردازد. توصیف یعنی وصف نمودن و جزئیات و ویژگی‌های یک پدیده را بازگو کردن. در وصف پدیده‌ها، توجه به عنصر تخیل مانند تشبیه و تشخیص و... اهمیت بسزایی دارد. در خواندن این گونه متن‌ها، از لحن توصیفی و آهنگی آرام و لطیف، بهره می‌گیریم. همچنین دقت در مفهوم جمله‌ها در نوع بیان آهنگ کلام، مؤثر است. لحن توصیفی با هدف شرح و توصیف خصوصیات و ویژگی‌های پدیده‌ها به کار گرفته می‌شود.

واژه‌های مهم: عنصر: ماده/ تخیل: خیال پردازی/ بسزا: شایسته/ لطیف: نرم.



۱. بدان که هر چه در وجود است، همه صنع خدای تعالی است. آسمان و آفتاب و ماه و ستارگان و زمین و آنچه بر وی است، چون کوه‌ها و بیابان‌ها و نهرها و آنچه در کوه‌هاست، از جواهر و معادن و آنچه بر روی زمین است، از انواع نباتات و آنچه در بر و بحر است، از انواع حیوانات و آنچه میان آسمان و زمین است، چون میغ و باران و برف و تگرگ و رعد و برق و قوس قزح و علاماتی که در هوا پدید آید، همه عجایب صنع حق تعالی است و این همه آیات حق تعالی است که تو را فرموده است تا در آن نظر کنی. پس آندر این آیات، تفکر کن.

واژه‌های مهم: صنع: آفرینش/ خدای تعالی: خداوند بلند مرتبه، توجه شود که واژه خدای را باید ساکن خواند. بر: رو، بالا/ نهر: رود/ جواهر: جمع جوهر، گوهرها، سنگ‌های قیمتی/ معادن: جمع معدن/ نباتات: جمع نبات، گیاهان/ بر: خشکی/ بحر: دریا/ میغ: ابر/ قوس قزح: رنگین کمان/ علامات: جمع علامت، نشانه‌ها/ پدید آید: به وجود آید، آشکار شود/ اندر: در/ آیات: جمع آیه، نشانه‌ها/ تو را فرموده است: به تو دستور داده است.

نکته‌های ادبی: مراعات نظیر: «ماه، آفتاب و ستاره»، «کوه، زمین و بیابان»، «میغ، باران، برف، تگرگ، رعد و برق، قوس قزح»/ تضاد: «آسمان و زمین»، «بحر و بر».

دانش زبانی: «را» در جمله «تو را فرموده است» معنای «به» دارد= «به تو فرموده است»؛ بنابراین «تو» در این جمله متمم است. / «وی» در عبارت «آسمان و آفتاب و ماه و ستارگان و زمین و آنچه بر وی است»، ضمیر شخصی است که مرجع آن «زمین» است. در گذشته برای اشاره به غیر انسان به جای «آن»، از «وی» (ضمیر شخصی) نیز استفاده می‌شد.

۲. در زمین، نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است و جوانب وی فراخ گسترانیده و از زیر سنگ‌های سخت، آب‌های لطیف روان کرده، تا بر روی زمین می‌رود و به تدریج بیرون می‌آید. در وقت بهار بنگر و تفکر کن که زمین چگونه زنده شود و چون دیبای هفت رنگ گردد، بلکه هزار رنگ شود.

واژه‌های مهم: در زمین: به زمین / به تدریج: کم‌کم / چون: مانند / دیبا: نوعی پارچه نفیس و گران قیمت بوده‌است.
نکته ادبی: تشبیه: زمین به دیبا تشبیه شده است.

دانش زبانی: «چون» هر گاه به معنای «مانند» باشد، حرف اضافه است و واژه پس از آن متمم به حساب می‌آید؛ مانند «زمین چون دیبای هفت رنگ گردد.» در این نمونه «دیبای هفت رنگ» متمم است.

۳. نگاه کن مرغان هوا و حشرات زمین را هر یکی بر شکلی دیگر و بر صورتی دیگر و همه از یک‌دیگر نیکوتر، هریکی را آنچه به کار باید، داد و هر یکی را پیام‌وخته که غذای خویش چون به دست آورد و بچه را چون نگه دارد تا بزرگ شود و آشیان خویش چون کند. در مورچه نگاه کن که به وقت خویش غذا چون جمع کند.

واژه‌های مهم: مرغان: پرندگان (در گذشته مرغ به معنای پرنده بوده‌است؛ اما امروزه یک نوع پرنده خانگی است) / هریکی به شکلی دیگر: هر کدام را با ظاهری متفاوت خلق کرده‌است / هر یکی را آنچه به کار باید، داد: به تمام آنها، هرچه لازم داشته است، بخشیده‌است. / چون: چگونه / بچه را چون نگاه دارد: چگونه از بچه‌اش مواظبت کند / آشیان خود چون کند: چگونه لانه بسازد.
نکته‌های ادبی: تضاد: هوا (آسمان) و زمین / واژه‌های زیادی تکرار شده است.

دانش زبانی: «را» در «هریکی را» به معنای «به» آمده است = هر یکی؛ بنابراین «هریکی» متمم است.

۴. اگر در خانه‌ای شوی که به نقش و گچ، کنده کرده باشند، روزگاری دراز، صفت آن [=خانه] گویی و تعجب کنی و همیشه در خانه‌ی خدایی، هیچ تعجب نکنی! و این عالم، خانه‌ی خداست و فرش وی [=عالم]، زمین است و لکن سقفی بیستون و این، عجب‌تر است و چراغ وی [=عالم] ماه است و شعله‌ی وی [=عالم] آفتاب و قندیل‌های وی [=عالم] ستارگان و تو از عجایب این، غافل که خانه بس بزرگ است و چشم تو بس مختصر و در وی [=چشم] تو نمی‌گنجد.

واژه‌های مهم: شوی: وارد شوی، بروی / به نقش و گچ کنده کرده باشند: با گچ، نقش برجسته (=بزار زدن) ایجاد و پر از نقش و نگار کرده باشند / صفت آن گویی: از آن تعریف می‌کنی / عالم: جهان / بس: بسیار / مختصر: کوچک، اندک / نمی‌گنجد: جا نمی‌گیرد.
نکته‌های ادبی: تشبیه: عالم به خانه‌ی خدا، زمین به فرش، ماه به چراغ، آفتاب به شعله، ستارگان به قندیل‌ها تشبیه شده است. / «مختصر بودن چشم» کنایه از کوتاه‌بین بودن و نگاه عمیق نداشتن / تکرار: است، تو، وی و

دانش زبانی: درباره‌ی ضمیر شخصی «وی»، در بند نخست صحبت شد. در این بند، ضمیر شخصی «وی» در چند جمله آمده است که مرجع هریک را درون قلاب نوشته‌ایم. / «شوی» چون به معنای «بروی» آمده است، فعل غیراسنادی است.

۵. و مثل تو، چون مورچه‌ای است که در قصر ملکی سوراخی دارد؛ جز غذای خویش و یاران خویش چیزی نمی‌بیند و از جمال صورت قصر و بسیاری غلامان و سریر ملک وی، هیچ خبر ندارد.

واژه‌های مهم: ملک: پادشاه / جمال: زیبایی / سریر: تخت پادشاهی / ملک: فرمانروایی، پادشاهی.

نکته‌های ادبی: تشبیه (چون به معنای مانند، از ادات تشبیه است.) / مراعات نظیر: قصر، سریر، غلامان، ملک، ملک.

دانش زبانی: مورچه: متمم / سوراخی: مفعول (چه چیزی را دارد؟ = سوراخی) / مرجع ضمیر شخصی «وی»، قصر است.

۶. اگر خواهی به درجه مورچه قناعت کنی، می‌باش و اگر نه، راحت داده‌اند تا در بستان معرفت حق تعالی، تماشا کنی و بیرون آیی؛ چشم باز کن تا عجایب بینی که مدهوش و متحیر شوی.

واژه‌های مهم: درجه: مقام / قناعت: قانع بودن، راضی بودن / می‌باش: باش / راحت داده‌اند: تو را راه داده‌اند، به تو راه داده‌اند

(«ت» در راحت ضمیر دوم شخص پیوسته یا متصل است) / بستان: بوستان، باغ / مدهوش: سرگشته، بی‌هوش / متحیر: شگفت‌زده.

نکته ادبی: اضافه تشبیهی: بستان معرفت (شناخت و معرفت به بوستان تشبیه شده است).

کیمیای سعادت، امام محمد غزالی



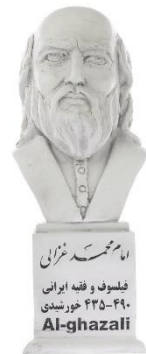
امام محمد غزالی: از نویسندگان و دانشمندان دوره

سلجوقی یا اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم (۴۵۰-۵۰۵

ه. ق.) است. وی در فقه و کلام سرآمد روزگار خود بود. از

آثار وی می‌توان به «کیمیای سعادت» «نصیحة الملوک» و

«احیاء علوم الدین» اشاره کرد.



نکته زبانی

وابسته‌های گروه اسمی ۱

در سال گذشته در مورد وابسته‌های اسم، مطالبی آموختیم. اکنون نیز به مرور مطالب قبلی می‌پردازیم.

گروه اسمی: یک یا چند واژه است که اسم هسته آن است و ممکن است دارای وابسته‌هایی نیز باشد.

وابسته‌های اسم:

۱. **وابسته‌های پیشین** که قبل از اسم می‌آیند (صفت اشاره، صفت شمارشی، صفت پرسشی، صفت تعجبی و صفت مبهم).

۲. **وابسته‌های پسین** که بعد از اسم می‌آیند (صفت بیانی، مضاف‌الیه و...).





شعرخوانی

پرواز

موضوع و محتوا: مناظرهٔ کرم و مرغ خانگی

*گفت‌وگوی کرم و مرغ خانگی، در سراسر شعر، **آرایهٔ تشخیص** را به وجود آورده است.

در پيله تا به کی، بر خویشتن تنی؟ پرسید کرم را، مرغ از فروتنی

واژهٔ مهم: فروتنی: تواضع و خاکساری (در اینجا به معنای غرور است).

معنا و مفهوم: مرغ خانگی از کرم ابریشم پرسید که چرا درون پيله، به دور خودت تار می‌بافی؟

تا چند منزوی، در کنج خلوتی؟ در بسته تا به کی، در محبس تنی؟

واژه‌های مهم: منزوی: گوشه‌گیر / محبس: جای حبس، زندان.

معنا و مفهوم: تا کی می‌خواهی در گوشه‌ای تنها بنشیني و در زندان تن، بمانی؟

در فکر رستم - پاسخ بداد کرم - خلوت نشسته‌ام زین روی، منحنی

واژه‌های مهم: رستن: رهایی، آزادی / خلوت: تنهایی / منحنی: خمیده.

نکتهٔ ادبی: کرم: نماد انسان‌های پویا که به فکر تغییر و پیشرفت هستند.

معنا و مفهوم: کرم پاسخ داد: به فکر رهایی و آزادی هستم و به این دلیل است که درون پيله به شکل خمیده نشسته‌ام (=حالت اندیشیدن).

همسال‌های من، پروانگان شدند جستند از این قفس، گشتند دیدنی

واژه‌های مهم: جستند: آزاد شدند، پریدند، خلاص شدند. / دیدنی: شایستهٔ دیدن، زیبا.

معنا و مفهوم: هم سن و سال‌های من به پروانه تبدیل شدند و از این قفس (=پيله)، رهایی پیدا کردند و به پرواز درآمدند و به پرنده‌های دیدنی و زیبا تبدیل شدند.

در حبس و خلوت‌م، تا وارهم به مرگ یا پر آورم، بهر پریدنی

واژه‌های مهم: حبس: زندان / خلوت: تنهایی / وارهم: رهایی یابم، رها شوم / بهر: برای، به خاطر.

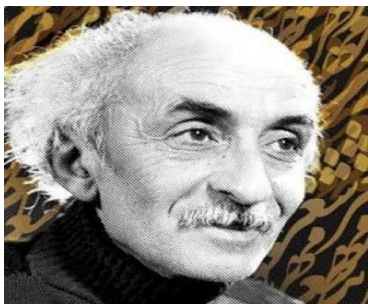
معنا و مفهوم: من تنها در خلوتی نشسته‌ام تا با مردن، رهایی پیدا کنم یا آنکه پر و بالی برای پرواز دریاورم.

اینک تو را چه شد کای مرغ خانگی کوشش نمی‌کنی، پری نمی‌زنی؟

معنا و مفهوم: اکنون ای مرغ خانگی چه شده است که به فکر پرواز نیستی و هیچ تلاشی نمی‌کنی؟

نکتهٔ ادبی: مرغ خانگی: نماد انسان‌های تنبل که با وجود مهیا بودن شرایط، فقط به فکر تغییر و پیشرفت نیستند.

نیما یوشیج (علی اسفندیاری)



نیما یوشیج: علی اسفندیاری معروف به نیما یوشیج، در سال ۱۲۷۶ در یوش مازندران به دنیا آمد. زبان فرانسه را به کمک و تشویق استادش «نظام وفا» در مدرسهٔ سن‌لویی در تهران آموخت. وی تحولی عظیم در شعر فارسی ایجاد کرد و به «پدر شعر نو» مشهور شد. «افسانه»، «ای شب»، «قصهٔ رنگ‌پریده» و... از آثار اوست. نیما سرانجام در سال ۱۳۳۸ درگذشت.